

ویژگی ها و چشم انداز انتخابات مجلس نهم

محمد اعظمی



در این انتخابات، دو نیروی اصلی رقیب که در برابر هم صف آرای می کرده اند، دو ویژگی دارند: حق پندار و خشونت رفتار اند. روحانیون و جریانات سنتی حامی آن ها، فکر می کنند صاحب این انقلاب اند و در آن نقش منحصر به فردی داشته اند و حالا طبیعی است که خود را صاحب آن بدانند و از نتیجه اش بهره مند شوند. جریان احمدی نژاد که در بدنه نیروهای سپاهی و انتظامی و امنیتی نفوذ دارند و بیشتر بعد از انقلاب برآمد داشته اند، فکر می کنند که این ها در جریان جنگ و در این بحران ها، در خط مقدم جبهه بوده و جمهوری اسلامی را حفظ کرده اند. از این رو حکومت و مزایای آن را حق خود می دانند.

در دوره های می که استبداد بیداد می کند و روحیه مردم دستخوش یاس و ناامیدی نشده است، هر بهانه ای ممکن است به یک حرکت قیام گونه تبدیل شود. از این رو فکر می کنم در جریان این انتخابات نباید چشم بر حوادث غیر قابل پیش بینی بسته بماند. اما توجه باید داشت که الزاما برآمد جنبش مردم مشابه حرکات پیشین نخواهد بود. نیرویی که خود را برای بروز این حوادث آماده نکند، به ناگزیر یا به دنباله روی از حوادث کشیده می شود و یا راه مقابله با آن را پیشه می کند و یا به نظاره گری منفعل بدل می شود.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، به مناسبت ۱۹ بهمن، مراسم بزرگداشتی برای سالروز جنبش فداییان خلق در برلین برگزار نمود. در میزگرد سیاسی این مراسم، ف تا بان، بهروز خلیق و من شرکت کرده بودیم. مطلب حاضر بخشی از سخنان من در ارتباط با انتخابات است که در پاسخ به پرسش گرداننده جلسه، بیژن اقدسی، در این مراسم، پیرامون ویژگی های انتخابات مجلس نهم و چشم انداز آن، بیان گردید.

ویژگی های انتخابات مجلس نهم؟

نخستین ویژگی، بسته تر شدن فضای انتخابات در قیاس با دوره های پیشین است. تاکنون جمهوری اسلامی در جریان برگزاری انتخابات،

دامنه فشار و سرکوب را کاهش می داده است. در نتیجه کاندیداها، نسبت به قبل، امکان سخن گفتن و طرح برخی انتقادات را پیدا می نمودند. مطبوعات نیز فرصت انتشار مسایلی، که تا پیش از آن وجود نداشت، به دست می آوردند. در مجموع در دوره انتخابات برخی مسایلی "ممنوعه"، بیشتر منعکس شده، و فضا تا حدی باز می شد. در این انتخابات برخلاف گذشته، از همان ابتدا فضا امنیتی شده و ارعاب و تهدید مردم در دستور قرار گرفته است. تا بدان اندازه که بر اساس گفته مقامات قضایی کسی حق اظهار نظر آزاد در باره انتخابات را نداشته و تبلیغ تحریم، جرم اعلام شده است. بسته شدن فضای انتخابات و امنیتی شدن آن در این ابعاد، تا کنون در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است.

دومین ویژگی، وسعت نیرویی است که دست به تحریم انتخابات زده است. برای اولین بار است که افزون بر اپوزیسیون این نظام، نیروهای منتقد نیز به مخالفت با این انتخابات رسیده اند. تا کنون حداکثر اپوزیسیون نظام، سیاست مشترکی در رابطه با نفی انتخابات اتخاذ می کرده است. اما در این دوره، سیاست های رژیم، صفوف اپوزیسیون نظام و منتقدان آن را چنان فشرده نموده است که تحریم این نمایش به نظر مشترک همه آنان تبدیل شده است.

سومین ویژگی این دوره، وضعیت استثنایی است که حکومتیان در آن گرفتار شده اند. رابطه حکومت با مردم و با عموم کشورهای جهان و حتی در میان جناح های آن، هیچ گاه چنین تیره و تار نبوده است. اکنون رابطه حکومت با مردم بیش از هر دوره ای تخریب شده است. مشکلات اقتصادی، بیکاری، رشد فساد و دزدی در میان حاکمان، دامنه نارضایتی مردم از حکومت را بی سابقه نموده و ثقل و دستکاری در نتیجه انتخابات، به ویژه در سال ۱۳۸۸، بر دامنه بی اعتمادی مردم افزوده است. رابطه حاکمان با خودشان نیز، عمیقاً بحرانی و دشمنانه است. ابتدا اصلاح طلبان، از رقابت کنار گذاشته شده، فعالیت آن ها ممنوع گشته و بسیاری از کادرهای موثرشان، سرکوب و به زندان انداخته شدند. سپس رقابت و درگیری به میدان اصولگرایان کشیده شد. جریان احمدی نژاد که "نزدیک ترین نیرو به خامنه ای بود" و به خاطرش ثقل بزرگ را سازمان داد، انحرافی اعلام گردید. بخشی از اصولگرایان افراطی، جبهه پایداری انقلاب اسلامی را ایجاد کرده اند که با بخش میانی و سنتی آن، اختلاف جدی دارند. اصولگرایان که قرار بود بنا به درخواست خامنه ای با یک لیست واحد وارد انتخابات مجلس نهم شوند، تا کنون هشت لیست آرایه کرده و به رقابت با هم و

توطیئه علیه هم مشغول اند. رابطه حکومت با کشورهای جهان هم نیازی به توضیح ندارد. هیچ گاه در این حد و به این وسعت خصمانه نبوده است. جهان غرب به خصوص آمریکا برای عقب نشان دادن رژیم، وارد تحریم های اقتصادی، مالی، نفتی و جنگ اقتصادی با این حکومت شده است. این تحریم ها، گرانی و بیکاری و تعطیلی موسسات تولیدی و پائین آمدن ارزش بی سابقه ریال را در پی داشته است. در کنار این جنگ اقتصادی و تهدیدات نظامی، اقدامات تروریستی علیه نیروهای یکدیگر هم شدت گرفته است. به نظر می رسد این اقدامات خرابکارانه و تروریستی به یک سیاست برای اعمال فشار بدل شود.

انتخابات چه چشم اندازی دارد؟

در چنین شرایطی دستگاه ولایت می خواهد گوش به فرمان ترین نیروها را از طریق رای مردم وارد مجلس کند. از ای نیرو نیازمند مشارکت حداکثری مردم است. هدف از چنین مشارکتی این است که در مناسبات جهانی وانمود کند هنوز مشروعیت مردمی دارد و به پشتوانه آن می تواند در برابر جنگ اقتصادی مقاومت کند. در ارتباط با جناح های حاکم، می خواهد به اصلاح طلبان، که رقیب آن ها طی سالیان بوده اند، بگویند که جایگاهی در میان مردم ندارند. در ارتباط با خودشان نیز هدف این است که نیرویشان روحیه بگیرد و مانع ریزش بیشتر آن ها شود. اما لازمه مشارکت مردم حداقل باز شدن فضای سیاسی و امکان رقابت نیروهاست. این هم امکانپذیر نیست. چون حکومت از باز شدن فضا می ترسد. حکومت خود نیز می داند که با رویگردانی مردم از صندوق ها روبروست. به همین دلیل به ناچار باید رقم سازی و صحنه آرایئی کند. اما این مساله هم مشکلات خود را دارد و به آسانی میسر نیست. دو مشکل برای این رقم سازی وجود دارد. نخست این که مردم به این حکومت اعتماد ندارند و آن قدر پرونده این رژیم به ثقل و دروغ آلوده است که مردم حتی به ارقام درست حکومت هم شک می کنند، چه رسد به ارقام جعلی و ساختگی آن. پس در این زمینه حکومت نمی تواند به هدف خود دست یابد. مشکل دوم نیروی مقابل آن ها یعنی جریان احمدی نژاد است، که هدف، از صحنه خارج نمودن آن هاست. این جریان نیز به نظر نمی رسد بدون مقاومت تسلیم شود و بعید نیست اختلافات آن ها به درگیری و آشوب هم کشیده شود.

درگیری جناح ها و برآمد جنبش ممکن است؟

پاسخ من به این پرسش هم منفی و هم با قید احتیاط، آری است. پاسخ منفی است چون معمولاً ما در انتخابات ریاست جمهوری که خصلت ملی و

سیاسی آن برجسته است، با پدیده برآمد جنبش، در مواردی، مواجه شده ایم. در این سه دهه، دو بار، در دوم خرداد و ۲۲ خرداد، در جریان انتخابات ریاست جمهوری، برآمد جنبش را شاهد بوده ایم. اما در انتخابات مجلس، خصوصا در مناطق کوچک و محلات، به اندازه زیادی، این خصلت قومی و فامیلی و محلی است که در میزان مشارکت یا عدم مشارکت و در برانگیختگی مردم نقش ایفا می کند. تا کنون در جریان انتخابات مجلس، هیچ گاه شاهد برآمد جنبشی وسیع نبوده ایم.

اما امکان ایجاد یک وضعیت فوق العاده و غیر قابل پیش بینی نیز محتمل است. علل بروز چنین وضعیتی را باید قبل از هر چیز در درون حکومت جستجو نمود.

در این انتخابات، دو نیروی اصلی رقیب که در برابر هم صف آرای می کرده اند، دو ویژگی دارند: حق پندار و خشونت رفتار اند. روحانیون و جریانات سنتی حامی آن ها، فکر می کنند صاحب این انقلاب اند و در آن نقش منحصر به فردی داشته اند و حالا طبیعی است که خود را صاحب آن بدانند و از نتیجه اش بهره مند شوند. جریان احمدی نژاد که در بدنه نیروهای سپاهی و انتظامی و امنیتی نفوذ دارند و بیشتر بعد از انقلاب برآمد داشته اند، فکر می کنند که این ها در جریان جنگ و در این بحران ها، در خط مقدم جبهه بوده و جمهوری اسلامی را حفظ کرده اند. از این رو حکومت و مزایای آن را حق خود می دانند. هر دو این جریانات به خشونت باور داشته و آن را شیوه ای موثر و رهگشا برای مقابله با بحران ها می دانند. چنین باوری است که نمی گذارد آن ها به آسانی و بدون تنش تسلیم شده، از مجموعه امتیازات و رانت های قدرت بگذرند، و از قدرت کنار روند.

از سوی دیگر به دلیل عدم مشارکت وسیع مردم، فقط بخشی از مردم در انتخابات شرکت خواهند کرد. در میان این بخش یعنی شرکت کنندگان در انتخابات، احمدی نژاد اگر مقبولیت بیشتری نداشته باشد، جایگاه کم تری از رقیب ندارد. و اگر دخالت و دستکاری در آرای شرکت کنندگان صورت نگیرد، جریان احمدی نژاد با اقتصاد صدقه ای به برکت بخشی از پول باده آورده نفت، که بین لایه های میانی از مردم پخش کرده است، احتمالا رای بیشتری می تواند بدست آورد.

افزون بر این، برگزار کننده انتخابات دولت احمدی نژاد است. این دولت طی چند ساله اخیر، نیروهایش را در سیستم بوروکراتیک و استانداری ها و فرمانداری ها کاشته است. دستکاری در آراء بدون همکاری آن ها بسیار دشوار است. قدرت این جریان در حدی است که در

مواردی، حتی علنا در برابر خامنه ای ایستادگی کرده است. به نظر می رسد اگر توافقی صورت نگیرد و رضایت آن ها جلب نشود و سهم آن ها نادیده گرفته شود، امکان درگیر شدنشان منتفی نیست. کافی است در چندین حوزه مقابله شود تا این حوزه ها باطل اعلام شوند و درگیری به جامعه کشیده شود. ارزیابی برخی حکومتیان نیز در همین راستاست. سالار آبنوش فرمانده سپاه استان قزوین در ۱۴ اسفند ۸۹ در باره انتخابات چنین می گوید: «اگر نتیجه انتخابات مجلس نتیجه ای نباشد که در راستای ارزشهای ما باشد سال ۹۱ (سال پس از انتخابات مجلس) سالی بسیار خطرناک و حتی خونین است... زیرا (ناگزیریم) با هم» بجنگیم. در این زمینه خامنه ای هم نگران است. او در نماز جمعه عید فطر گفت: «انتخابات همیشه در کشور ما تا حدودی یک حادثه‌ی چالش برانگیز است... مراقب باشید این چالش به امنیت کشور صدمه نزند».

هر چند پیشگویی در رابطه با مسایل اجتماعی چندان جایز نیست اما با احتساب برخی عوامل می توان نسبت به وقوع حوادث آمادگی کسب نمود. از این رو لازم است توجه داشته باشیم که در چنین وضعیتی، امکان بروز حرکات تند و ناگهانی منتفی نیست. در جوامع استبدادی به دلیل سرکوب تشکل های سیاسی و نهادهای مدنی، حرکات قانونمند نیست و معمولا واکنش ها، ناگهانی بروز پیدا می کنند. در ایران ویژگی دیگری که جامعه را آبدستن این حرکات می کند وضعیت روحی و روانشناسی مردم است. امروز یاس و ناامیدی بر مردم چیره نشده است. در حالی که سرکوب بیداد می کند، هم زمان بخش قابل توجهی از مردم و روشنفکران با جسارت علیه این بیدادگری ها به شکل علنی، لب به اعتراض می گشایند. همیشه در دوره های که استبداد بیداد می کند و روحیه مردم دستخوش یاس و ناامیدی نشده است، هر بهانه ای ممکن است به یک حرکت قیام گونه تبدیل شود. از این رو فکر می کنم در جریان این انتخابات نباید چشم بر حوادث غیر قابل پیش بینی بسته بماند. اما توجه باید داشت که الزاما برآمد جنبش مردم مشابه حرکات پیشین نخواهد بود. نیرویی که خود را برای بروز این حوادث آماده نکند، به ناگزیر یا به دنباله روی از حوادث کشیده می شود و یا راه مقابله با آن را پیشه می کند و یا به نظاره گری منفعل بدل می شود.